

بیان میزان اهمیت قراردادهای نفتی در ارتباط با سطح جامعه بین المللی و امنیت ملی

محسن جعفری^۱

^۱ فارغ التحصیل کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد تبریز، mojsenjaf82@gmail.com

چکیده

موضوع اعمال حق حاکمیت ملی بر منابع و صیانت از مخازن، تقریباً اصلی‌ترین عاملی است که چه از منظر منافع مترتب بر عقد یک قرارداد خارجی و چه از منظر نقشی که در تأمین امنیت و حاکمیت ملی ایفا خواهد کرد، از سوی ایران به عنوان کشوری که دارای ذخائر عظیم نفتی است با حساسیت جدی دنبال می‌شود و قالبهای قراردادهای خاصی را در حوزه‌ی این صنعت پیش روی قرار می‌دهد. وابستگی شدید اقتصاد جهان به منابع انرژی، کشورهای دارای این منابع را از جایگاه مهمی در عرصه اقتصاد سیاسی جهان برخوردار نموده است. لذا کشورهای عضو اوپک و بویژه کشورهای همسایه ایران نیز در سالهای اخیر تلاش نموده‌اند تا با جذب سرمایه‌های خارجی به سرعت، ظرفیتهای تولید نفت خود را افزایش دهند و با برخورداری از ظرفیت اضافی تولید قدرت سیاسی حکومت خود را در ابعاد داخلی، منطقه‌ای و جهانی افزایش دهند. در مقابل به لحاظ وابستگی کشورهای دارای نفت به تکنولوژی و فناوری شرکتهای نفتی، همواره شرکتهای نفتی با بهره‌گیری از دانش خود سعی در سلطه بر منابع این کشورها و دخالت در سرنوشت اقتصادی و سیاسی کشورهای نفتی داشته‌اند در واقع تلاش برای حفظ مالکیت منابع نفتی و بعضاً دولتهای حامی آنها بوده است.

واژه‌های کلیدی

حاکمیت ملی، امنیت ملی، قراردادهای نفتی، شرکت های نفتی

مقاله

داستان نفت ایران از آغاز قرن بیستم شروع شد و بر تمام تحولات عمده کشور سایه افکند. در این قرن سه رویداد مهم تاریخی به وقوع پیوست که تأثیر شگرفی بر توزیع قوای سیاسی، هنجارهای اجتماعی و توسعه اقتصادی کشور برجای نهاد. در ربع اول قرن، نهضت مشروطه، در اواسط قرن، نهضت ملی شدن نفت و در دو ربع آخر، پیروزی انقلاب اسلامی به وقوع پیوست. خاطره‌ها و تجربه‌های تلخ و شیرین از رخدادهای مزبور بر حدیث نفت این مرز و بوم نیز تأثیرات عمیقی گذاشته است. گوناگونی آراء و نظرات پیرامون مسائل مربوط به توسعه صنعت نفت از همین عوامل سرچشمه می‌گیرد. برخی نفت را بلائی سیاه می‌دانند و هرگونه سرمایه‌گذاری در این بخش را موجب زیان مملکت قلمداد می‌کنند، برخی دیگر ثروت را تنها مزیت نسبی اقتصاد کشور تلقی می‌نمایند و معتقدند که برنامه‌های توسعه بایستی بر محور توسعه نفت پایه‌ریزی شود.

اما واقعیت فراتر از این است که نفت را بلا بخوانیم یا طلا. واقعیت این است که تولید نفت نه تنها تاریخ یکصد سال گذشته ایران را رقم زده است بلکه آینده متصور آن را نیز مقید کرده است. به نحوی که تولید در بخش‌های مختلف صنعتی، کشاورزی و خدمات شدیداً وابسته به فراز و فرودهای میزان تولید نفت، درآمدهای نفتی و مدیریت این منابع می‌باشد [۱].

همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که از بین عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی در کشور، درآمدهای نفتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا زمانی که درآمدهای نفتی افزایش می‌یابد نرخ رشد اقتصادی نیز بالا می‌رود و بالعکس [۲].

تجربه ۸۰ سال فعالیت‌های شرکت‌های خارجی در صنعت نفت ایران تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی در چارچوب قراردادهای مختلف اعم از اعطای امتیاز، مشارکت و خرید خدمت حاکی از استمرار سیاست‌های شرکت‌های بزرگ نفتی و کشورهای غربی در سلطه بر منابع نفتی کشور و دخالت در سرنوشت اقتصادی و سیاسی کشور و بازیچه قرار دادن استقلال و حاکمیت ملی ایران بوده است. حتی با تغییر چارچوب در ادوار آنچه در عمل اتفاق افتاد چیزی جز سلطه بر منابع کشور و ممانعت از پیشرفت علمی و فنی تکنولوژیکی و صنعتی ایران و وابسته کردن هرچه بیشتر اقتصاد ایران بر واردات کالا و صدور نفت خام و فراهم نمودن اسباب حضور درازمدت خارجیان در ایران نبود. مدت قراردادهای چنان طولانی بود که با عمر منابع نفت برابری می‌کرد و تصمیم‌گیری درباره مقدار، شکل، زمان، تکنولوژی استخراج، صادرات بازارها، قیمت‌گذاری نفت و نوع ارز دریافتی اصولاً ربطی به ایران و اقتصاد ایران نداشته است.

پس از پیروزی انقلاب با توجه به تجارب تلخ گذشت از نحوه فعالیت‌های شرکت‌های بزرگ نفتی که با انعقاد قراردادهایی به اشکال گوناگون همواره اهداف بلندی را از حضور در کشورمان دنبال می‌کردند، بهره‌برداری از منابع نفتی بر اساس نیازهای ارزی کشور و نه نیازهای شرکت‌های چند ملیتی غربی قرار گرفت و در انعقاد قراردادهای نفتی اصولی حاکم گردید.

مهمترین اصولی که در قراردادهای نفتی باید در نظر گرفته شوند عبارتند از: حفظ حاکمیت ملی بر منابع نفت و گاز کشور، محدودیت‌های قانونی و بودجه‌ای کشور، استفاده از تکنولوژی مدرن در اجرای قراردادهای نفتی، آموزش و انتقال تکنولوژی، استفاده کامل از توان شرکتها و صنایع مدرن در اجرای پروژه‌های نفتی، اجرای مشترک پروژه‌ها و به حداقل رساندن ریسکها [۱].

سهم درآمدهای نفتی در مجموع درآمدهای دولت از ۱۰٪ در سال ۱۳۲۳ به حدود ۹۶٪ در سال ۱۳۵۴ و حدود ۷۰٪ در طی سه دهه اخیر افزایش یافته است [۲]. اهمیت اکتشاف و بهره‌برداری از ذخایر نفتی جهت توسعه صنایع پایین دستی و لزوم سرمایه‌گذاری از یک سو و الزام به رعایت اصول حاکم بر قراردادهای نفتی از سوی دیگر، کشور را به سمت انعقاد قراردادهای نفتی سوق داد. قراردادهایی که می‌توان گفت قراردادهای قانونی هستند تا انتخابی. در هر حال هدف نهایی کسب بیشترین منفعت مادی و معنوی برای ایران است.

با توجه به تک محصولی بودن اقتصاد ایران و اتکاء حجم بالایی از بودجه سالانه‌ی کشور به نفت و تأثیر عمیق و چشمگیر این کالای حیاتی بر تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی این مرز و بوم و همچنین با توجه به نقش قابل توجه و حساس قراردادهای نفتی در توزیع، حفظ و بهره‌برداری مناسب از این ثروت ملی، ضرورت بررسی قراردادهای نفتی در جهت حفظ حاکمیت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و انجام پژوهش در این حوزه واقعیتی انکارناپذیر است.

استفاده از قراردادهای نفتی برای حفاظت از حاکمیت ملی سازوکاری تثبیت شده در ایران است و قوانین و مقررات جاری، شرکت ملی نفت ایران را مجاز می‌داند تا از قراردادهای نفتی برای ایجاد امنیت و پیشبرد اهداف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی استفاده کنند. طرح این

قراردادها به قانون نفت ایران مصوب ۱۳۵۳ بر می‌گردد که این قانون در ماده ۳ خود مقرر می‌دارد: (منابع نفتی و صنعت نفت ایران ملی می‌باشد و اعمال حق مالکیت ملت ایران نسبت به منابع نفتی ایران در زمینه اکتشافات...).

برخی از ویژگی‌های صنعت نفت از قبیل وابستگی به فراز و نشیب تقاضا و مصرف در بیرون از مرزهای ملی، وابستگی صنعت نفت به تکنولوژی‌های پیچیده کشورهای صنعتی و شرکت‌های چندملیتی، وابستگی به سرمایه‌گذار کلان برای اکتشاف و استخراج، کنترل قیمت نفت بوسیله نیروهای بین‌المللی، گستره و عمق تاثیرگذاری این ماده را بر سرنوشت ملی بیشتر کرده است. بدین ترتیب می‌توان گفت نیاز کشورمان به درآمد نفتی در عرصه اقتصاد بین‌الملل یک روی مساله است.

روی دیگر مساله در تعامل امنیت و حاکمیت ملی کشور از درآمدهای نفتی از طریق انعقاد سودآور قراردادهای نفتی در عرصه داخلی بر حیات اجتماعی و اقتصادی است. متأسفانه اگر نفت را از عرصه اقتصاد ملی حذف نماییم تمام ارکان حیات اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی شدیداً تحت الشعاع قرار می‌گیرد. تزریق سرمایه به بخش صنعت، واردات کالاهای اساسی، تامین و دست یابی به تکنولوژی جدید صنعتی و نظامی و تامین انرژی داخلی، وابسته به درآمدهای نفتی است.

حقوق نفت از زمان پیدایش تا به امروز با تحولی بنیادین روبرو بوده که قراردادهای نفتی را به شدت تحت تاثیر قرار داده این تحولات با قراردادهای امتیازی شروع شد با ابداع شیوه‌های جدید در انعقاد قراردادهای نفتی تداوم یافت. این قراردادها امروزه به قراردادهای امتیازی، خدماتی و مشارکتی تقسیم می‌شوند.

ماهیت قراردادهای نفتی در ایران چه در زمانی که به صورت امتیاز نامه‌های ساده با حداقل مداخله دولت منعقد می‌شدند و چه زمانی که در سیر تحولات خود به صورت قراردادهای مشارکتی با حضور پررنگ‌تر شکل می‌گرفتند و چه اکنون که به صورت قراردادهای پیچیده خرید خدمت یا با حداکثر مداخله دولت منعقد می‌گردند، همواره مورد اختلاف بوده است. به طور کلی نظرات مختلفی در مورد ماهیت قراردادهای نفتی ارائه شده است. عده‌ای از حقوقدانان با توجه به مفاهیم بنیادین حقوق اداری چون خدمت عمومی، منافع عمومی و قدرت عمومی و همچنین اصل حاکمیت کشورها بر منابع طبیعی (نفت) خود معتقد به اداری بودن قراردادهای نفتی هستند. به عبارت دیگر با توجه به حاکمیت ملی کشورها بر منابع طبیعی خود، بهره‌برداری از ثروت‌های ملی مثل نفت را از مصادیق اعمال حاکمیت دانسته و ذی نفع واقعی این قراردادها را ملت‌ها می‌دانند.

با توجه به استفاده گسترده از قراردادهای نفتی و مشکلات موجود در تفسیر این قراردادها و عدم توجه حقوقدانان و صاحبان اندیشه این حوزه به مسائل مربوط به حفاظت از حاکمیت ملی در این قراردادهای نفتی ایجاب می‌کند که این پژوهش انجام شود و بررسی حفاظت از حاکمیت ملی و همچنین امنیت ملی از مسائلی است که تاکنون به آن پرداخته نشده است و می‌تواند در نوع خود بی‌بدیل باشد

در رابطه با قراردادهای نفتی کتب و مقالات و نشریات کثیری منتشر شده ولی تاکنون تحقیق مستقل و جامعی در مورد فوق الذکر صورت نگرفته است. در این خصوص می‌توان به مقالات و کتابهایی که در این زمینه نوشته شده اشاره کرد:

مقاله‌هایی تحت عنوان ره یافتی جامع برای مطالعه امنیت ملی در خاورمیانه و مسائل نفت [۳]، منافع ایران در قراردادهای نفتی بیع متقابل [۴]، منافع ملی و سیاستهای بهره‌برداری از منافع نفت و گاز [۵] و در نهایت مقاله اکتشافات و توسعه میدانی نفتی ایران از طریق قراردادهای بیع متقابل [۶]

در این زمینه کتابهایی نیز به رشته تحریر در آمده که می‌توان به کتاب نفت و مسائل حقوقی آن [۵]، کتاب حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت [۷]، کتاب مسائل سیاسی و اقتصادی نفت ایران [۸]، کتاب حقوق قراردادهای نفتی [۹]، کتاب اوپک در یک نگاه [۱۰]، کتاب بیع متقابل در بخش بالا دستی نفت و گاز [۱۱] و کتاب مباحثی از حقوق نفت و گاز در پرتو رویه داوری بین‌المللی؛ سلب مالکیت و غرامت در قراردادهای نفتی [۱۲] اشاره کرد.

مفهوم حاکمیت

مقوله حاکمیت به عنوان یکی از عناصر ضروری و سازنده دولت، باید در ردیف یکی از مناقشه‌انگیزترین و به تبع آن پرکشش‌ترین مفهومی در اندیشه سیاسی و حقوقی قلمداد نمود. دولت در حقوق نوین موجودی تلقی می‌گردد که از عوامل چهارگانه قلمرو، جمعیت (جامعه ملی)، حکومت و حاکمیت تشکیل شده است. در این میان حاکمیت از اهمیت بنیادین برخوردار است به نحوی که فهم شخصیت دولت

بدون شناخت واقعیت حاکمیت کشور - ملت شدنی نیست. حاکمیت در حقوق اساسی و در پهنه حقوق عمومی به معنای قدرت برتر و عالی و صلاحیت اتخاذ تصمیم نهایی و قدرت تجمیع کننده انرژی های سیاسی درون جامعه تفسیر شده است که دارنده آن می تواند در مسائل جامعه امرونی نماید. برخی از نویسندگان معتقدند که حاکمیت عبارت است از حق فرمانروایی که دولت بنا به اراده عمومی دارا می باشد و براساس آن حق دارد تصمیم های لازم درباره اتباع و اموال و منابع کشور بگیرد و آن را به موقع اجرا گذارد. حاکمیت یعنی آزادی و استقلال جامعه سیاسی که دولت نماینده و مظهر آن می باشد [۱۳].

واژه حاکمیت از واژه لاتینی " Superonus " که بمعنی برتر است گرفته شده است.

حاکمیت در نظریه حقوقی و سیاسی کلاسیک به معنی عالیترین اقتدار در دولت است که ممکن در یک فرد باشد مانند سلطان یا پادشاه و یا احزاب باشد و یا اینکه در اجتماع باشد مانند پارلمان.

حاکمیت به انگلیسی به معنی " Sovereignty " حق انحصاری دولت برای نظارت بر یک قلمروی ارضی معین است. حاکم بالاترین مرجع قانون گذار می باشد. شاید هیچ مفهومی جدال انگیزتر از حاکمیت وجود نداشته باشد. این یک حقیقت بی چون و چرا است که این مفهوم، از لحظه ای که به علوم سیاسی معرفی شد تا امروز، هرگز معنایی که مورد توافق جهانی قرار گیرد نداشته است.

براساس تعاریف مختلفی که از حاکمیت صورت گرفته، آن را باید به معنای قدرت برتر و عالی دارای صلاحیت برای اتخاذ تصمیم نهایی تلقی کرد که در رأس همه قدرتها قرار دارد.

و از ویژگی هایی چون دوام، مطلق بودن، عام بودن، تفکیک ناپذیری، برخوردار است و قدرتی است انحصاری و مستقل که دو نمود داخلی و خارجی برای یک کشور دارد در عین حال واقعیت یگانه ای را بیان می کند و آن بیان کننده قدرتی است که بالاتر از آن قدرتی وجود ندارد [۱۴].

قانون مدنی ایران هم که معمولاً از مشهور فقهای امامیه پیروی کرده است در ماده ۱۶۱ خود از همین تفکر پیروی می کرده با این تفاوت که این معادن را قابل حیات می داند، چنانچه مرحوم دکتر حسن امامی، ضمن تقسیم معادن به روش سابق الذکر، معادن باطنی از جمله نفت را قابل تحجیر و حیات می داند (و البته به تحولات حقوق جدید و عمومی بودن این معادن اشاره می کند). بعضی از مقدمین فقهای شیعه، کلیه معادن را متعلق به امام و بهره برداری از آن را منوط به کسب اجازه از او دانسته اند [۱۵].

فقه حنبلی راهی شبیه متأخرین فقهای شیعه را در پیش گرفته اند، چنانچه در رأی داوری قطر آمده است: «معادن را جزو مباحات می داند و هر کس معدنی را کشف کند می تواند، به اندازه نیاز خود از آن بهره برداری کند و در این باب حق تقدم و اولویت دارد، ولی پس از آنکه نیاز او برآورده شد، باید کنار رود و راه را برای استفاده دیگران باز کند. کسی نمی تواند معدنی را در تملک خود گیرد، مگر به تبع زمینی که معدن در آن واقع است. تملیک زمین معدن هم از راه اقطاع یا نخله توسط امام و در اراضی بلا مالک، از راه حیات مباحات و احیاء موات میسر است.» [۱۶].

مفهوم قرارداد در حقوق اسلام

واژه «قرارداد» در زبان فارسی به معنای «عقد» به کار رفته است [۱۷]. عقد لفظاً به معنای «بستن» می باشد. چنان که ماده «۱۸۳» قانون مدنی می گوید: «عقد عبارت است از این که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر، تعهد به امری نمایند و مورد قبول آن ها باشد.»

وجه تناسب معنای اصطلاحی و معنای لغوی آن است که در اثر انعقاد عقد، بین دو نفر رابطه حقوقی ایجاد می شود [۱]. اگر همین تعریف قانون مدنی را برای قرارداد بپذیریم، مجبور هستیم که آن را منحصرأ به آن دسته از قراردادهایی اطلاق کنیم که طرفین آن در مقابل یکدیگر تعهداتی را پذیرفته اند. در این صورت، قراردادهای بیع و سایر قراردادهای داخلی و خارجی را که علاوه بر تعهد، متضمن انتقال مالکیت یا حقوق دیگر از یک طرف به طرف دیگر است، شامل نمی شود.

در حقوق اسلامی، مشهور فقها ایجاب و قبول لفظی را مصداق عقد می دانند و اگر لفظ در بین نباشد، می گویند تراضی حاصل شده است؛ یعنی در صورتی که در عقد، لفظ به کار نرود، آن چه که به وجود می آید، صرفاً تراضی طرفین بر امری است و عقد قرارداد به معنای حقوقی آن واقع نشده است. قانون مدنی فرانسه، قرارداد را این گونه تعریف می کند: «قرارداد عبارت است از تراضی دو طرف بر تعهد به انتقال

مالکیت و یا تعهد به انجام عمل یا تعهد ترک عمل معینی». این تعریف، با توجه به دیدگاه فرانسویان درباره قرارداد بیع است - که برخلاف نظر فقهای ما- بیع را تعهد به انتقال مالکیت می دانند.

یکی از تعاریف بسیار جالب در خصوص قرارداد، تعریفی است که صاحب جواهر (ره) ارائه فرموده اند: «گفتاری است از دو طرف قرارداد یا گفتاری از یک طرف و رفتاری از طرف دیگر که شرع، اثر مورد نظر طرفین قرارداد را بر آن مرتب کرده است» براساس این تعریف، آن چه که اهمیت اساسی دارد، «اراده طرفین» است. در واقع عقد، توافق دو اراده است که شرع و قانون آثاری بر آن مرتب کرده است.

نتیجه این که قول مشهور، لفظ را برای «عقد» لازم دانسته است، ولی طرف داران قول غیر مشهور، که لفظ را برای عقد لازم ندانسته اند، نیز کم نیستند و به این ترتیب می توان گفت: «قرارداد عبارت است از توافق دو اراده به انتقال مال یا تعهد به انجام کار یا ترک فعلی که شرع بر آن آثاری مرتب کرده است». قرارداد می تواند معوض باشد؛ مثل بیع و اجاره، و می تواند غیر معوض باشد، مثل هبه. لذا قرارداد یک لفظ عام است که به هرگونه توافق اراده شرعی و قانونی، صرف نظر از ماهیت طرفین آن، اطلاق می شود.

مفاهیم اساسی راجع به نفت و قراردادهای نفتی

تعریف ما از نفت، مبتنی بر متون رسمی قانونگذاری ایران، خواهد بود. در این حال باید به این نکته توجه کرد که قانونگذار ایرانی، به دلایل خاص حقوقی، تعاریف خاصی از نفت دارد که بدان اشاره خواهیم کرد. از لحاظ شیمیایی، نفت ترکیبی از هیدروکربن‌ها با زنجیره‌های بلند کربنی است که به دلیل پیوندهای کربنی، مقدار قابل توجهی انرژی در خود ذخیره می‌کند. به عبارت دیگر نفت، صرفنظر از ماهیت دقیق شیمیایی‌اش به عنوان حامل انرژی در نظر گرفته می‌شود، اما به طور دقیق مخلوطی از هیدروکربورها... با وزن مولکولی بالا تشکیل می‌شود.

در تبصره ۱ ماده ۱ قانون «تفحص، اکتشاف نفت در سراسر کشور و فلات قاره» مصوب ۱۳۲۶/۵/۲ (نخستین قانون نفت ایران) آمده: منظور از کلمه نفت، در این قانون عبارت است از نفت خام، گاز طبیعی، آسفالت و کلیه هیدروکربورهای مایع اعم از اینکه بحالت طبیعی یافت شود یا به وسیله عملیات مختلف از نفت خام و گاز طبیعی جدا شده و نیز فرآورده‌های مهبیای استفاده یا نیمه تمامی که از مواد مزبور به وسیله تبدیل گاز به مایع، یا تصفیه یا عمل شیمیایی یا هرگونه طریق دیگر، اعم از آنچه اکنون معمول است و آنچه در آینده معمول شود بدست آید».

در قانون نفت مصوب ۱۳۵۳/۵/۸، نفت بدین ترتیب تعریف شده است :

«نفت عبارت است از نفت خام، گاز طبیعی، آسفالت، کلیه هیدروکربورهای مایع، اعم از اینکه بحالت طبیعی یافت شود و یا به وسیله عملیات مختلف از نفت خام و گاز طبیعی جدا شود و فرآورده‌های مهبیای استفاده، یا نیمه تمامی که از مواد مزبور به وسیله تبدیل گاز به مایع یا تصفیه یا عمل شیمیایی و یا هرگونه طریق دیگری اعم از آنچه اکنون معمول است و آنچه در آینده معمول شود بدست آید»؛ در اینحال منابع نفتی بدین ترتیب تعریف شده است که: «عبارت است از کلیه منابع و ذخایر زیرزمینی اعم از اینکه در خشکی یا در مناطق دریایی واقع باشد» و در این قانون، عملیات نفتی عبارت است از :

«اعم است از کلیه عملیات مربوط به اکتشاف، بهره‌برداری، پالایش، حمل و نقل و پخش، خرید و فروش نفت» .

در نهایت طبق قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ (۱۳۶۶/۷/۹) نفت عبارت است از :

«کلیه هیدروکربورها به استثنای ذغال سنگ به صورت نفت خام، گاز طبیعی، قیر، و پلمه سنگ‌های نفتی و یا شن‌های آغشته به نفت، اعم از آنکه در حالت طبیعی یافت شود یا به وسیله عملیات مختلف از نفت خام و گاز طبیعی بدست آید».

همچنین در قانون نفت در مورد عملیات نفتی آمده است :

«عبارت است از کلیه عملیات مربوط به صیانت و بهره‌برداری از منابع نفتی مانند تفحص، نقشه‌برداری، زمین‌شناسی، اکتشاف، حفاری، استخراج، تحصیل اراضی لازم و تهیه و اجرای طرح‌های سرمایه‌ای برای احداث تأسیسات و صنایع و ایجاد و توسعه و تحدید آنها و حفاظت و حراست از تأسیسات و واحدهای مربوطه به صنعت نفت، همچنین عملیات تولید و قابل عرضه کردن نفت خام، گاز و سایر هیدروکربورهای طبیعی به استثنای ذغال سنگ، تصفیه نفت خام و نیز فرآورده‌های فرعی و مشتقات نفتی و جمع‌آوری و تصفیه گاز طبیعی و تولید گاز و محصولات همراه، استفاده از فرآورده‌ها و مشتقات نفتی و گازی در تولید انواع محصولات پتروشیمی، حمل و نقل، توزیع، فروش و صدور

محصولات نفت و گاز و پتروشیمی و فعالیت‌های تجاری مربوط به صادرات و واردات و تولیدات نفت و گاز پتروشیمی و تهیه و تولید کالاها و مواد صنعتی و مورد استفاده در نفت و ایجاد تسهیلات و خدمات فنی برای عملیات و آموزش و تأمین نیروی کار مشخص» .

با بررسی این تعاریف این نکات بنظر می‌رسد :

- ۱- همه این تعاریف، تعاریفی هستند قانونی و حقوقی (با رویکردی عملگرایانه) در خصوص حامل‌های انرژی هیدروکربنی که شامل نفت و همچنین گاز است (به غیر از زغال سنگ) از لحاظ فنی هم: «قراردادهای نفتی در کشورهای میزبان در برگیرنده هر دو بخش یعنی نفت و گاز می‌باشد». پس از لحاظ قانونی گاز طبیعی در حکم نفت خواهد بود .
- ۲- در این تعاریف قانونگذار به پیشرفت‌های تکنولوژیک و آثاری که بر این مفهوم قانونی (نفت) می‌گذارد توجه داشته است .
- ۳- در تعریف قانونی نفت، گاز و محصولات پتروشیمی در حکم نفت هستند .
- ۴- عملیات نفتی، طبق قوانین نفتی ایران شامل هر دو بخش بالا دستی (شامل اکتشاف، استخراج و تولید) و پائین‌دستی است (توزیع، تولید، پخش، تجارت محصولات فرعی، تهیه مشتقات و تصفیه و ...)؛ ما در این پایان‌نامه به هر دو بخش می‌پردازیم،

مفهوم قراردادهای نفتی

در تعریف قراردادهای نفتی لازم می‌نماید آشنایی مختصری با فعالیتهای مرتبط با صنعت نفت داشته باشیم تا دریا بیم یک قرارداد با موضوع نفت چه مواردی را تحت تعهد درآورده و چه نتیجه ای را در چه مرحله‌ای از یک جریان بهم پیوسته مطلوب می‌شمارد. بنابر این در مقدمه این آشنایی به جریان تولید نفت می‌پردازیم .

در توضیح اجمالی روند تولید نفت و گاز می‌توان گفت عقیده عمومی‌بر این است که " Petroleum " شامل نفت خام و گاز طبیعی در اثر تجزیه بقایای لاشه‌ها و اجساد گیاهان و جانوران ته نشین شده در رسوبات دریایی یا سایر رسوبات آبی توسط باکتری‌ها طی میلیون‌ها سال پیش منشأ یافته است .

برای بدست آوردن منابع نفتی در اولین قدم به شناسایی منابع هیدروکربوری در منطقه اقدام می‌شود و مطالعات جامع روی مخازن هیدروکربوری صورت می‌گیرد. نخستین مرحله از این مطالعات لرزه نگاری است به منظور انجام لرزه‌نگاری منطقه به صورت شطرنجی متصور می‌شوند و نقطه تقاطع‌ها توسط دستگاههای لرزه نگاری گمانه زنی می‌شود که مترها آن به بافت زمین بستگی دارد. سپس بر روی نقاط تقاطع انفجار صورت می‌دهند. فاصله انعکاس انفجار که وقتی به مایع زیر زمین می‌رسد مشخص می‌گردد و در دستگاههای لرزه‌نگاری که به دستگاههای انفجار متصل هستند ثبت می‌شوند که نشانگر وجود نفت یا گاز در آن منطقه است، سپس به برآورد میزان نفت موجود در مخزن می‌پردازند اصولاً جهت بالآمدن نفت از مخزن به گاز نیاز است و در مخزنی که میزان گاز کمتر از نفت است و اصطلاحاً به آن چاه مرده می‌گویند آب یا گاز تزریق می‌کنند تا چاه را احیاء نمایند .

مراحل فوق، مراحل مطالعات جامع مخازن می‌باشد. در مرحله بعدی اگر در منطقه نفت وجود داشت نقاطی را برحسب محاسبه‌های جغرافیایی انتخاب می‌کنند تا حفاری صورت گیرد و در نقاط حفاری، محلی را به نام سلر (گودال سرچاه که تمام وسایل حفاری در آن قرار می‌گیرد) برای استقرار دکل در نظر می‌گیرند، هر منطقه نفتی دارای چاههای متعددی می‌باشد، و نفت آنها در منطقه‌ای بنام مانیفولد سرازیر می‌شود. از مانیفولد

توسط لوله‌های جریانی، نفت در یک لوله بزرگ وارد می‌شود که ممکن است این لوله بزرگ دو شاخه گردد و یک شاخه جهت صادرات و یک شاخه جهت مصرف داخلی منشعب می‌گردد. شاخه‌ای که جهت صادرات است ابتدا املاح و ناخالصی آن گرفته می‌شود. آب، اسید و نمک ناخالصی‌های نفت می‌باشند. نفت صادراتی در مسیر از واحدهای بهره‌برداری یا واحد احیاء عبور می‌کند که گاز در این واحدها نمک زدایی، آبگیری و اسیدگیری می‌شود .

اگر نفت خام در شاخه مصرف داخلی قرار گیرد در این شاخه نفت خام از واحد بهره‌برداری عبور می‌کند تا به مرحله پالایشگاه برسد. اقدامات انجام گرفته از اکتشاف تا ورود نفت به مرحله پالایش فعالیت‌های بالادستی صنعت نفت را شامل می‌شود. با ورود نفت یا گاز به پالایشگاه فعالیت‌های پایین دستی صنعت نفت آغاز می‌شود .

با بررسی روند تولید نفت به این نتیجه می‌رسیم که این جریان مستلزم فعالیت‌های عمده‌ای در این صنعت می‌باشد که اصطلاحاً عملیات نفتی می‌گویند.

قانون نفت ایران مصوب ۶۱/۷/۹ در ماده ۱ به تعریف عملیات نفتی پرداخته است و فعالیت‌های بسیاری را در حیطه آن قرار داده است. انجام عملیات نفتی قطعاً در پی شناسایی و انجام یک سری فعالیت‌های مرتبط صورت می‌گیرد که هر کدام به صورت پروژه‌ای جداگانه به انجام می‌رسد.

بنابر تعریف پروژه مجموعه تلاش‌های موقتی برای تحقق یک تعهد و تقبل در ایجاد یک محصول با ارائه خدمات مشخص می‌باشد. معمولاً اجرای پروژه‌های بزرگ راه اصلی کشورها در حرکت به سوی رشد و توسعه اقتصادی است. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان پروژه‌های بزرگ را با توجه به وابستگی یا عدم وابستگی آنها به سطح تقاضای داخلی، نوع خدمات و محصولات حاصله و برخی عوامل دیگر به دو دسته پروژه‌های زیر بنایی و پروژه‌های توسعه‌ای تفکیک نمود.

انواع قراردادهای بالا دستی نفتی

یکی از مهمترین مباحث در حوزه مسائل نفت را می‌توان مربوط به انواع قراردادهای نفتی دانست. هر چند که نکته مورد تاکید تمامی صاحب نظران این است که قرارداد یک بستر است و بستگی به ویژگی‌های خاص هر منطقه و هر کشوری می‌تواند قابلیت خاصی را از خود بروز دهد با توجه به این صحبت قراردادهایی که برای توسعه میدان‌های هیدروکربوری در صنایع بالادستی دنیا به کار می‌رود، به سه دسته کلی «قراردادهای امتیازی»، «قراردادهای مشارکتی» و «قراردادهای خدماتی» تقسیم بندی می‌شوند که در این مبحث به بیان این قراردادها می‌پردازیم.

۱. قراردادهای امتیازی

قدیمی ترین نوع قراردادها، امتیازی اند. در این نوع از قراردادها، واگذاری مخزن و یا میدانی مشخص از سوی دولت میزبان به شرکت بیگانه برای سرمایه گذاری در عملیات، اکتشاف، توسعه، بهره برداری و بازاریابی فرآوری نفت و گاز از سوی آن و پرداخت بر بنیان حق الارض یا بهره مالکانه افزون بر درصدی از درآمد خالص به عنوان مالیات به دولت میزبان می‌باشد.

با توجه به اعتراضاتی که از سوی دولت‌های میزبان به ناعدالتی و عدم رعایت تولید صیانتی از سوی شرکت‌ها و صاحبان میزبان در این دسته از قراردادها شد، کم کم شکل این نوع از قراردادها تغییر کرد و عملاً ساختارها و نظام‌های نوین امتیازی وارد فضای قراردادهای بین المللی نفت و گاز گردید.

قراردادهای نوین امتیاز از دیدگاه بخش بندی سود میان طرفین از چنان نرمش پذیری برخوردار است که در صورت افزایش بهای نفت، سازوکارهایی در راستای افزایش منافع میزبان پیش بینی شده است. کشور میزبان اکنون می‌تواند از طریق شرکت ملی نفت در قراردادهای امتیاز مشارکت کند. این روش که کاربرد فراوان در خاورمیانه داشته است، آنچنان به پیش می‌تازد که کشور عربستان در ۱۹۸۱، صد در صد عملیات دریافت و پرداخت شرکت آرامکو را در اختیار گرفت.

۲. نظام‌های قراردادی

با توجه به اینکه امروزه عملاً نظام‌های امتیازی جای خود را به نظام‌های قراردادی داده اند و این نظام‌ها در قالب‌های گوناگون عمل می‌کنند در ادامه به معرفی برخی از قالب‌های نظام‌های قراردادی اشاره می‌شود.

۲-۱: قراردادهای مشارکتی

این نوع قراردادها به دو دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

الف) موافقت نامه‌های مشارکت در تولید

این نمونه از پیمان نامه‌ها از دهه ۱۹۶۰ رایج گردید و مورد استقبال برخی از کشورهای نفتی قرار گرفت. در این قراردادها، نفت و گاز تولید شده میان دولت و شرکت سرمایه گذار تقسیم شده، حقوق مالکانه متعلق به دولت است، لیکن به واسطه مشارکت دولت میزبان از طریق شرکت ملی نفت در زمینه مدیریت عملیات با شرکت سرمایه گذار در پیوند است.

این نوع از قراردادهای شرکت خارجی را متعهد به پرداخت مالیات و در برخی موارد بهره مالکانه، آموزش نیروی انسانی و مشارکت دولت میزبان می نماید .

ب (قراردادهای مشارکت در سرمایه گذاری

در این قراردادهای کشور میزبان و شرکت عامل در سود و خطرپذیری توافق نامه های نفتی سهم هستند. میزان مشارکت در عقد موافقت نامه های امتیاز متفاوت است در نتیجه دولت به مثابه شریک در تولیدی که بر اساس قرارداد انجام می شود، سهم هزینه دولت به شیوه ای مستقیم و یا اختصاص بخشی از سهم تولید خواهد بود که به شرکت نفتی پرداخت می شود. در این قراردادهای، دولت میزبان افزون بر مالیات، درصدی از سود واقعی را نیز به خود اختصاص می دهد.

تاریخچه قراردادهای نفتی ایران ونحوه اعمال حاکمیت بر قراردادهای مزبور

مسئله نفت در ایران بیشتر به تحولات یک صد ساله اخیر مربوط است. از زمانی که در سال ۱۹۰۸ میلادی اولین چاه نفتی در مسجدسلیمان کشف شد تا حال حاضر، قوانین و قراردادهای نفتی متفاوتی که منتج از این قوانین بود، شکل گرفته است. کشورهای نفت خیز و در کل هر کشوری برای منابع طبیعی خود قانونی دارد که این قانون خط مشی دخل و تصرف در منابع طبیعی آن کشور را معین می کند. این قانون معمولاً حدود و ضوابط ورود به حیطة اکتشاف و واگذاری حق بهره برداری و خصوصاً شروط لازم برای صدور مجوز سرمایه گذاری را مشخص می کند. قراردادهای نفتی در ایران در طول تاریخ همواره موضوع مناقشات فراوانی بوده است. زمان انعقاد قراردادهای نفتی در ایران از قراردادهای امتیازی آغاز می شود اما پس از ملی شدن صنعت نفت و پایان دوره قراردادهای امتیازی با تصویب اولین قانون نفت در سال ۱۳۳۶ قراردادهای مشارکتی تجویز می شود. در ادامه، قانون نفت دوم در سال ۱۳۵۳ به تصویب می رسد و به صراحت انعقاد قراردادهای مشارکتی را ممنوع اعلام می کند و قراردادهای خدماتی یا همان پیمانکاری را در دستور کار خود قرار می دهد. پس از انقلاب اسلامی، قانون نفت ۱۳۶۶ تصویب می شود. در واقع این قانون، قانون نفت ۱۳۵۳ را به طور کامل فسخ نمی کند و فقط در موارد تناقض قانون نفت ۱۳۶۶ اعمال می شود و در این قانون روش قراردادهای پیمانکاری یا خدماتی همچنان قابل انعقاد است. در سال های بعد با استنتاج از قوانین نفت ۱۳۵۳ و ۱۳۶۶ قراردادهای بیع متقابل نفتی در کشور شایع شد که البته نوعی قرارداد خدماتی محسوب می شود.

با توجه به مطالب ذکر شده، در این گفتار ضمن بیان روند تاریخی قراردادهای نفتی منعقد شده به تحلیل و بررسی آنها از نظر اعمال حاکمیت می پردازیم.

قراردادهای نفتی ایران قبل از انقلاب اسلامی

در سال های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، ۲۵ قرارداد برای اکتشاف و بهره برداری از ذخایر نفت و گاز ایران امضاء شد که چهار قرارداد به صورت امتیازی، ۱۱ قرارداد به صورت مشارکت در تولید و سود و ۹ قرارداد به صورت خدماتی همراه با ریسک بوده، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تمام قراردادهایی که برای توسعه میدان های هیدروکربوری ایران نهایی شده، از نوع خاصی از قراردادهای خدماتی بوده است که بیع متقابل نامیده شده اند.

قراردادهای نفتی ایران قبل از ملی شدن صنعت نفت

در آغاز ذکر این نکته لازم است که تا قبل از ملی شدن نفت ایران در سال ۱۳۲۹ شمسی آنچه بر دستیابی کشوری بیگانه به منابع مالی عظیم از محل مخازن هیدروکربوری ایران افزود، ویژگی های قراردادهای اولیه منعقد شده در صنعت نفت ایران بود. قراردادهای امتیازی، از قدیمی ترین انواع قراردادهای رایج در صنعت نفت دنیا به شمار می روند دو قرارداد داری به سال ۱۹۰۱ و قرارداد ۱۹۳۳ از جمله قراردادهای امتیازی انحصاری بودند که در سال های نخستین اکتشاف نفت در ایران منعقد گردیده است مشابه این قرارداد هنوز هم در برخی کشورهای جهان سوم اعمال می شود و به موجب آنها، کشور میزبان انحصار بهره برداری از منابع زیرزمینی خود را به طرف مقابل می دهد، یعنی شرکت طرف قرارداد، حاکم مطلق منابع زیرزمینی آن کشورها است و بخشی از درآمدهای حاصل را به میزبان می دهد حال جهت روشن شدن موضوع به بررسی این دو قرارداد می پردازیم.

قراردادهای نفتی ایران از اواخر دهه ۱۳۷۰

افزایش دیدگاههای مثبت و روبه رشد نسبت به سرمایه‌گذاری در صنعت نفت که منجر به افزایش درآمدهای نفتی و تزریق آن بر پیکره اقتصاد کشور و به تبع آن توسعه همه جانبه کشور می‌شود بعد از تدوین برنامه ۵ ساله توسعه باب گردید و از اواخر دهه ۱۳۷۰ علی‌الخصوص آغاز دهه ۱۳۸۰ شرکت ملی نفت ایران در انعقاد قانون نفت موفق‌تر از پیش عمل کرده و علاوه بر افزایش تعداد طرحها براساس تجربیات حاصله و اوضاع و احوال مسلمه شرایط را در قالبهای مجاز و قانونی به نفع خویش تغییر داد.

بررسی قرارداد دارخوین با قراردادهای منعقد شده پیش از آن نقاط قوت آن را چنین بر ما نمایان می‌سازد .

۱. در این قرارداد و قراردادهای پس از آن مسئله تزریق گاز به مخزن از مراحل اولیه تولید گنجانده شده است که این امر مزیت بازیافت مخزن را افزایش قابل ملاحظه‌ای خواهد داد و خود به معنی استفاده از تکنیک‌های به روزتر است .

۲. مدت حضور پیمانکار نسبت به قراردادهای قبل افزایش یافته و به جای اینکه مانند قراردادهای پیشین از آغاز طرح تا زمان تکمیل آن باشد این دوره به زمان آغاز طرح تا پایان مدت قرارداد افزایش یافته است. این امر از یک سو مزیت اطمینان تحقق تعهدات پیمانکار را در طول دوره بهره‌برداری افزایش می‌دهد و از سویی دیگر امکان ایجاد تعامل تکنولوژیکی را در دوره طولانی تر امکان پذیر می‌سازد. و از آنجا که بویژه میادین نفتی در خشکی نیازمند توسعه مرحله به مرحله هستند این مسئله در قراردادهای اخیر پیش‌بینی شده و تعدیلات لازم صورت گرفته است .

در قرارداد دارخوین اجرای مرحله دوم تنها در صورت اجرای موفق مرحله اول و تأیید شرکت ملی نفت ایران نافذ می‌شود .

۳. مکانیزم‌های تنبیهی و تشویقی قوی تر برای تحریک انگیزه‌های پیمانکار لحاظ گردیده است. مکانیزم تنبیهی به منظور تشویق پیمانکار نرخ بازدهی سرمایه پیمانکار متناسب با افزایش تولید صیانتی بالاتر از حداکثر سطح پیش‌بینی تا دو درصد قابل افزایش است .

۴. بمنظور اطمینان از استفاده پیمانکار از تولیدات ساخت داخل کشور علاوه بر اینکه قید شده که پیمانکار ملزم به صرف ۳۰٪ ارزش طرح از طریق خرید محصولات ایرانی و بکارگیری نیروهای داخلی است و همچنین قید شده در صورت هر یک ریال عدم تحقق این بخش پیمانکار ملزم به پرداخت ۵۰ سنت جریمه خواهد بود .

بعد از قرارداد دارخوین که اساس تغییرات قراردادها را در لحاظ نمودن حداکثر منافع ایران شامل می‌شود شرکت ملی نفت ایران جدیدترین تغییرات خود را که در قرارداد یادآوران مورد لحاظ قرار داده است. به موجب آن موضوع انتقال تکنولوژی بعنوان یک جنبه مستقل دیده شده است .

همچنین جهت جلوگیری از استفاده پیمانکار از کالا و خدمات با کیفیت پایین و بمنظور عدم تجاوز از سقف هزینه‌های مشخص شده، از برآورد قیمت قبل از انجام مناقصات پیمانکاران فرعی اجتناب و قیمت قراردادی بعد از انجام مناقصات فرعی و البته با نظارت (NIOC) تعیین می‌گردد. باید در نظر داشت این امر باعث واقعی تر شدن هزینه‌ها و کاهش نگرانی پیمانکار از ریسک افزایش هزینه‌ها می‌شود البته لازم به ذکر است در این حالت نیز چنانچه هزینه‌های انجام شده از قیمت‌های تعیین شده فراتر رود بعهد پیمانکار خواهد بود.

شرکت ملی نفت ایران بعد از اعلام عدم مغایرت فاینانس با شرع و شمردن آن به عنوان شیوه ای جهت منافع و مصالح کشور از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام و صدور اجازه استفاده از شیوه فاینانس در قوانین برنامه سوم و چهارم توسعه، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نسبت به انعقاد قرارداد علاوه بر شیوه بیع متقابل به این شیوه نیز اقدام نمود و با اخذ تسهیلات مالی خارجی به انجام پروژه میدان گازی پارس جنوبی در فاز ۹ و ۱۰ پرداخت. (لازم به توضیح است ماده واحده قانون استفاده از منابع مالی خارجی نیز در خصوص استفاده از فاینانس در تاریخ ۸۴/۷/۶ به تصویب رسیده است).

نتیجه گیری

۱. اصولاً هیچ قراردادی به خودی خود، خوب یا بد نیست، بلکه "نوع یک قرارداد نفتی فقط نشانگر چارچوب و پیمانهای می‌باشد بمنظور تقسیم منافع که از یک همکاری ایجاد شده بدست می‌آید، این همکاری سندی دارد که به آن «قرارداد» می‌گویند پس در این صورت، اینکه چه نوع قراردادی تحت چه شرایطی بتواند منافع هر یک از طرفین قرارداد را تأمین کند و به بیان دیگر این واقعیت که ظرف قرارداد با چه مظلوفی پر خواهد شد به عوامل متعددی بستگی دارد"، در نتیجه قرارداد محصول این عوامل متعدد می‌باشد. شرکت‌های نفتی و کشورهای

میزبان با توجه به شرایط متفاوت به انعقاد یکی از این انواع متفاوت قرارداد علاقه‌مندی نشان می‌دهند، اما گرایش به عقد «این» یا «آن» نوع قرارداد» لزوماً به معنای بهترین نوع انتخاب شده، نمی‌باشد.

۲. عوامل متعددی در این مورد دخیل می‌باشند که عبارت است از اینکه: دولت صاحب نفت از چه مناسبات سیاسی اقتصادی در عرصه روابط بین‌الملل برخوردار است و همچنین قوانین داخلی کشور میزبان انعقاد چه شکل خاصی از قرارداد را ممکن و از عقد چه نوع از انواع قراردادها ممانعت به عمل می‌آورد

پیشنهاد

۱. با توجه به اینکه در حال حاضر به علت محدودیت‌های قانونی ما نمی‌توانیم از انواع قراردادهای دیگر به جز بیع متقابل استفاده نماییم پیشنهاد می‌گردد برای ایجاد فضای مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری، حفظ حاکمیت ملی و پیشرفت صنعت نفت از نسل جدید قراردادهای بیع متقابل (بوئیل سرویس اگریمنت) ۱ که در کشور همسایه (عراق) استفاده می‌شود بهره‌گرفت.
۲. با توجه به اینکه فعالیت در زمینه صنایع نفتی همیشه با ریسک همراه بوده پیشنهاد می‌گردد برای فعال نمودن بیمه‌ها جهت پوشش این ریسک‌ها، ریسک‌های مربوط به پروژه‌های نفتی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در اختیار شرکت‌های بیمه‌گر قرار گیرد تا شاهد فعالیت بیشتر شرکت‌های بیمه‌ای در زمینه پروژه‌های نفتی باشیم.

منابع

- [1] آشوری، داریوش، ۱۳۹۱، دانشنامه سیاسی، انتشارات سهروردی، جلد اول، تهران.
- [2] زمانی، علی، آبان ۱۳۷۹ و مرداد ۱۳۷۸، "گزیده مقالات مطبوعات، چالش‌های توسعه در صنعت نفت و گاز ایران"، ص ۷۲.
- [3] نصری، قدیر، ۱۳۷۹، "ره یافتی جامع برای مطالعه امنیت ملی در خاورمیانه و مسائل نفت"، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳، [4] نجم‌آبادی، فرخ، مینا، پرویز، ۱۳۷۸، "منافع ایران در قراردادهای نفتی بیع متقابل"، نشریه ایران نامه، شماره ۶۸ و ۶۹.
- [5] درخشان، ۱۳۸۱، "منافع ملی و سیاست‌های بهره‌برداری از منافع نفت و گاز"، نشریه مجلس و راهبردی، شماره ۳۴.
- [6] شیروی، غلامحسین، ابراهیمی، سید نصرالله، ۱۳۸۸، "اکتشافات و توسعه میادین نفتی ایران از طریق قراردادهای بیع متقابل"، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز حقوق بین‌الملل ریاست جمهوری، شماره ۴۱.
- [7] موحدی، محمد علی، ۱۳۵۷، نفت و مسائل حقوقی آن، انتشارات خوارزمی، تهران.
- [8] امانی، مسعود، ۱۳۸۹، "حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت"، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران
- [9] ذوقی، ایرج، ۱۳۷۲، مسائل سیاسی و اقتصادی نفت ایران، انتشارات پازنگ، تهران
- [10] ربیعی، فرانک، ۱۳۸۱، حقوق قراردادهای نفتی - قیرواشی، کشتی رانی، کامپیوتر، اجاره و...، انتشارات بهنامی، چاپ اول، تهران.
- [11] ساعد وکیل، امیر، ۱۳۸۰، اوپک در یک نگاه، انتشارات مجد، تهران.
- [12] صابر، محمد رضا، ۱۳۸۹، "بیع متقابل در بخش بالا دستی نفت و گاز"، انتشارات دادگستر، تهران.
- [13] طباطبائی مؤتمنی، منوچهر، ۱۳۸۰، حقوق اساسی، چاپ اول، نشر میزان، تهران.
- [14] قاضی، شریعت‌پناهی ابوالفضل، ۱۳۷۱، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، تهران.
- [15] حسینی عاملی، سید جواد، "مفتاح الکرامة فی شرح قواعد الکرامة"، نشر دار احیاء التراث العربی، بیروت، جلد ۷، صص ۲۹-۳۰.
- [16] موحد، محمدعلی، ۱۳۷۴، "درسهایی از داوری‌های نفتی"، انتشارات کارنامه، تهران، جلد اول، صص ۵۷-۵۶.
- [17] جعفری لنگرودی محمدجعفر، ۱۳۴۶، "ترمینولوژی حقوقی"، انتشارات ابن سینا، تهران، ذیل کلمه «عقد».